جشنواره سینماحقیقت امسال تحت تاثیر محافظه‌کاری دولت روحانی آثار قابل توجه کمی دارد

چند کار کل و دیگر هیچ

میلاد جلیل زاده
روزنامه‌نگار

پانزدهمین دوره از جشنواره سینماحقیقت این روزها درحال برگزاری است و کم‌رونقی آن را تا حدودی می‌توان به مسائل مربوط به پاندمی کرونا نسبت داد و مقداری از قضیه هم به اقدامات فرهنگی دولت قبل برای راکد کردن این رویداد برمی‌گردد. جشنواره حقیقت درکنار جشنواره فیلم کوتاه تهران یکی از دو رویداد پرشور سینمای ایران بود که بدنه اصلی علاقه‌مندان شورمند سینما را فعال نگه می‌داشت و هر دو در سال‌های آخر دولت قبل از ریل اصلی‌شان خارج شدند. اما این دوره از جشنواره فیلم کوتاه تهران که در دولت جدید برگزار شد، درنهایت مورد اعتراض رئیس جدید سازمان سینمایی نسبت به بعضی ریل‌گذاری‌های غلط قرار گرفت. روی همین حساب نمی‌شود تمام ضعف‌های پانزدهمین دوره از جشنواره حقیقت را هم ادامه‌دار دانست اما از بیان انتقادات هم نمی‌توان دست شست. در ادامه به یک مرور کلی درباره این دوره از جشنواره حقیقت و بیان چند نکته درخصوص آن پرداخته‌ایم و آثار بخش مسابقه بلند ملی را به‌طور موضوعی دسته‌بندی کرده‌ایم تا بتوان میزان توجه سینمای مستند ایران در این دوره به هرکدام از مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تا حدودی رصد کرد. البته در این جشنواره بخش‌های دیگری مثل مسابقه نیمه‌بلند ملی، مسابقه کوتاه ملی، مسابقه شهید آوینی، نمایش‌های ویژه ملی، مسابقه بلند بین‌الملل، مسابقه نیمه‌بلند بین‌الملل، مسابقه کوتاه بین‌الملل، نمایش‌های جنبی بین‌الملل و دو بخش روزگار ما و پرتره که آنها هم مربوط به آثار بین‌المللی هستند، وجود دارد. همچنین آینه جشنواره لیبسون، یکی از بخش‌های جنبی دیگر در این دوره است و یک بخش ویژه هم به نام کرونا اضافه شده که پر است از مستندهای راجع‌به این اتفاق. اما بخش مسابقه بلند ملی را می‌توان قالبی در نظر گرفت که قابل تعمیم به کل رویداد پانزدهمین دوره از جشنواره سینماحقیقت است.

پس از چند سال تلاش
برای نابودی قالب مستندسازی در ایران!

پانزدهمین دوره از جشنواره سینماحقیقت درحالی برگزار می‌شود که سایه سیاست سال‌هاست تن منظره آن را سایید است و حالا دقیقا در موقعیتی قرار دارد که نه می‌شود وضع فعلی این رویداد را به دولت فعلی و سیاستگذاران جدید فرهنگی نسبت داد و نه قبلی‌ها به شکل رسمی بر سرکار هستند که اگر نفدی و ایرادی هست، به آنها وارد شود. اگر سینمای داستانی ایران را انوار و بهشتی در دهه ۶۰ معماری کردند و این معماری به گونه‌ای بود که پس از چهار دهه جریان غالب سینمای داستانی ایران، با یکی از جناح‌های سیاسی به‌خصوص، همخوان باقی مانده است، سینمای مستند سرنوشتی دیگر داشت. نسل جدید مستندسازان ایرانی در دهه ۸۰ کارشان را شروع کردند و اولین دوره از جشنواره سینما حقیقت هم در آخرین سال‌های دولت محمود احمدی‌نژاد شروع به کار کرد؛ اما دولت حسن روحانی که گویا این رویداد را زمین بازی خودش نمی‌دید، تلاش کرد تا صورت‌مساله را حذف کند. جشنواره حقیقت آثار را به شکل مجانی نمایش می‌داد و در آن به سوی تمام علاقه‌مندان سینما باز بود. کار به جایی رسید که حتی برای معمولی‌ترین فیلم‌ها در سانس‌های دوم و سوم، مخاطبان روی زمین می‌نشستند اما این رونق به مذاق دولتی که فضای عمومی جشنواره را موافق و همسو با سیاست‌های خودش نمی‌دید، خوش نیامد و اولین گام در راه زدن زیر میز بازی، پولی کردن جشنواره و بلیت‌فروشی بود. پس از آن کرونا از راه رسید و بهانه‌ها بهتر جور شدند. البته در گزینش آثار هم آنچه تمام ملاحظات سیاسی‌شان را در نظر داشتند. به‌طور مثال در دوره‌های پیشین دیدیم که مستند ایکسوانمی که سه «استفاده از بحث آزادی‌های جنسی را یک ابزاری در خدمت نظام سرمایه‌داری نشان می‌داد و پشتوانه پژوهشی محکمی داشت، به بهانه‌های فنی که کاملا واهی و مصحک بودند، از حضور در جشنواره حقیقت بازماند؛ اما اگر فیلمی می‌آمد و چند نامزد به آمریکا می‌گفت که می‌توانست به این ترتیب زست عقب‌مانده‌ای از آمریکاستیزی نشان بدهد، حتما به جشنواره راه داده می‌شد تا هم مدیران، نمایش روادار یا معذوریت را اجرا کرده باشند و هم به به اهداف فرهنگی خودشان برسند. با این حال اما جای یک نقد منطقی از نظام سرمایه‌داری در این جشنواره نبود.

یا در یک دوره دیگر، فیلم «مدیرکل» که به یک ستایش تمام‌قد از مرحوم نوربخش، مدیر بانک مرکزی در هنگام تعدیل اقتصادی بود، به نمایش درآمد و خیلی از چهره‌های سیاسی منتسب به حزب کارگزاران در نمایش آن حضور داشتند اما مستند «شورش علیه سازندگی» که نقدی به سیاست‌های همان دوره بود، نتوانست نمایش داده شود. با کنار هم قرار دادن تمام رویدادها و تحلیل‌هایی که می‌توان نسبت به هرکدام داشت می‌توان درنهایت نتیجه گرفت که سیاستگذاران فرهنگی دولت قبل در قبال جشنواره حقیقت چندان هم محافظه‌کار نبودند؛ بلکه محافظه‌کاری پوسته ظاهری رفتار آنها بود. آنها با یک سیاست حساب‌شده و گام به گام، یک هدف فرهنگی اجتماعی به‌خصوص را پی می‌گرفتند و چون جشنواره حقیقت ذاتا نمی‌توانست با آنها هم‌قدم و همسو شود باید تا جای ممکن از رونق می‌افتاد. حالا دولت عوض شده و دولت جدید در شرایطی باید جشنواره را برگزار کند که اکثر فیلم‌های آن در سال‌های استقرار همان دولت قبلی ساخته شده‌اند. نهادهای حاسی فیلمسازی در دولت قبل بخش به‌خصوصی از آثار را حمایت کرده‌اند و ریل‌گذاری‌ها و سختگیری‌ها هم تعدادی از مستندسازان را از نفس انداخته است. اما یک مساله مهم‌تر خود برگزارکنندگان جشنواره هستند که بدنه آنها هنوز کاملا زیر و رو نشده و مطابق سیاست‌های دولت قبل، این دوره از رویداد را هم برگزار کردند. یک نگاه به فهرست فیلم‌های جشنواره و مرور موضوعات آنها می‌تواند این قضیه را تا حدود زیادی روشن کند.

مستندهایی که می‌خواهند
جای خالی درام در سینمای ایران را پر کنند

یکی از چیزهایی که در پانزدهمین دوره از جشنواره سینما حقیقت، از نگاه فنی می‌تواند مقداری جلب‌توجه کند، تلاش مستندسازان برای خلق درام است. بعضی سوژه‌ها قابلیت تبدیل شدن به فیلم داستانی در سینما را دارند هرچند می‌توان از آنها مستند هم ساخت و بعضی سوژه‌های دیگر برعکس، اگرچه می‌توان از روی آنها فیلم سینمایی هم ساخت، بیشتر به کار سینمای داستانی را هم به دوش بکشد. در این دوره از جشنواره سینما حقیقت نه‌تنها بازتاب بیرنگی از مسائل واقعی اجتماعی دیده نشد، بلکه حتی تنوع موضوعی خوب مستندها هم چنان که شایسته بود به چشم نمی‌خورد. با این حال خیلی از مستندسازان تلاش کرده بودند ایده‌های درماتیک خودشان را در قالب ارزان‌تر مستند ارائه بدهند. مستند هنوز آخرین کورسوی امید برای احیای سینمای ایران است؛ جایی که هنوز مقداری خارج از چارچوب‌های تعیین‌شده توسط کرد. به‌طور مثال مستند در جست‌وجوی سرباز؛ یا روزگار گل آقایی، کاملا اینچنین هستند و اثاری از این دست را در این دوره از جشنواره نسبت به دوره‌های قبل بیشتر می‌بینیم. البته هنوز ساختار قابل اعتنایی که آثار مستند ایران را در معرض تماشای عموم مخاطبان بگذارد، متشکل نشده است. این وضعیت شاید بیشتر از آنکه به خود قالب مستندسازی در ایران مربوط باشد، به ضعف‌های ساختاری در سینمای داستانی ما برمی‌گردد؛ سینمایی که در چند موضوع و ژانر به خصوص محدود شده و یا را از آنها فراتر نمی‌گذارد. به‌علاوه، سیستم مافیایی اکران در ایران اجازه نمی‌دهد که اثری بدون حضور چهره‌های مشهور، هرچند سوژه و روایتش برای مخاطب جذاب باشد، به فروش مناسبی برسد. این است که سوژه‌ها به سمت یک قالب سینمایی دیگر یعنی مستند سرازیر می‌شوند. این البته اتفاق خجسته‌ای است که لااقل این سوژه‌ها یک جایی ثبت و ضبط می‌شوند و جزئیات‌شان تصویری می‌شود تا اگر در آینده کسی خواست از روی آنها فیلم داستانی هم بسازد، دست و بالش بازتر باشد؛ اما آن آینده که کسی برای ساختن فیلم داستانی، سراغ این سوژه‌ها برود و سینمای ما از این یک‌دستی خارج شود، گی فراخواهد رسید؟

سینمای مستند ما درحالی طی سال‌های اخیر با سیاست‌های به‌شدت حساب‌شده، در دام محافظه‌کاری و نرفتن سراغ بعضی از سوژه‌های خاص افتاده است که ما در بخش‌های دیگر هم ضعف‌های جدی داریم و از مدیوم مستند توقع می‌رود با سرسینمای داستانی را هم به دوش بکشد. در این دوره از جشنواره سینما حقیقت نه‌تنها بازتاب بیرنگی از مسائل واقعی اجتماعی دیده نشد، بلکه حتی تنوع موضوعی خوب مستندها هم چنان که شایسته بود به چشم نمی‌خورد. با این حال خیلی از مستندسازان تلاش کرده بودند ایده‌های درماتیک خودشان را در قالب ارزان‌تر مستند ارائه بدهند. مستند هنوز آخرین کورسوی امید برای احیای سینمای ایران است؛ جایی که هنوز مقداری خارج از چارچوب‌های تعیین‌شده توسط معماران دهه شصتی سینمای ایران، ایده‌هایی رو به جلوتر را می‌توان یافت. این است که ادامه سیاست‌های دولت قبل در مورد جشنواره حقیقت، بیشتر نگران‌مان می‌کند. جشنواره حقیقت یکی از آخرین امیدهای سینماودوستان ایرانی برای احیای مجدد سینمای ایران و برخاستن آن از خاکستر رکود گفتمان لیبرال است. با وجود تمام نقدهایی که به همین دوره از جشنواره سینما حقیقت می‌توان وارد کرد و برخی از آنها در سطور بالاتر قابل مشاهده هستند، همین امروز می‌شود با نگاه به فهرست فیلم‌های جشنواره حقیقت، سوژه‌های داستانی بسیار متنوع‌تری نسبت به سینمای قصه گوی ایران پیدا کرد؛ سینمایی که اتفاقا ارتباط مستقیم‌تری با مخاطب عام دارد و تنوع موضوعات در آن الزام بیشتری پیدا می‌کند.

آیا دولت قبل
موفق شده که جشنواره حقیقت را منهدم کند؟

ما در نیمه دوم سال ۱۴۰۰، درحالی با پانزدهمین دوره از جشنواره سینما حقیقت طرف می‌شویم که آثار حاضر در آن، به‌خصوص آثار ایرانی، بازتاب بسیار کمرنگی از عمده‌ترین مسائل روز جامعه ایران هستند. تنها یک اثر رامی توان در بخش مستندهای نیمه‌بلند ایرانی یافت که راجع‌به بحران کم‌آبی ایران ساخته شده و یک اثر کوتاه هم درباره فن قناتسازی ایرانی در این رویداد حضور دارد که اثری تاریخی و توریست‌پسند است تا چیزی راجع‌به بحران آب در کشور. این درحالی است که همه می‌دانند این مساله تا چه اندازه به دغدغه‌ای جدی برای کل کشور تبدیل شده است. یک اثر محققانه و قابل توجه درخصوص خلق پول هم در بخش شهید آوینی حضور دارد و یک اثر خارجی که زبانی فنی و دیرفهم دارد، در بخش آثار خارجی هست که هردوبه خلق پول می‌پردازند اما آیا اینها به اندازه بحرانی هست که موسسات مالی و اعتباری طی سال‌های اخیر برای کشور ما ایجاد کرده‌اند؟

درمورد خودروسازی، بحران مسکن، حقوق موقوه کارگران و انواع و اقسام مشکلات دیگری که کشور با آنها طی همین سال‌ها درگیر است، هیچ مستندی تولید نشده است. مسائل سیاسی هم اصلا از هرسال دیگری کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و تنها چند سوژه کم‌خطر درباره افرادی که سال‌هاست از گردونه معادلات سیاسی حذف شده‌اند، به نمایش درمی‌آید.

راجع‌به دیپلماسی و مواجهه ایران و غرب هم اثری نمایش داده نمی‌شود. نه‌تنها یک اثر صورانه درباره دلال‌های ریز و درشت مملکت در پانزدهمین دوره از جشنواره سینما حقیقت حضور ندارد، بلکه اگر کسی بخواهد ده‌ها سال بعد با مرور موضوع آثار این دوره از جشنواره بفهمد در ایران ۱۴۰۰ چه‌می گذشته، به هیچ‌وجه نخواهد فهمید که چنین پدیده‌ای این روزها چگونه از سر و کول مملکت بالا می‌رود.

بحران مسکن هیچ جایی بین آثار جشنواره پانزدهم حقیقت نداشته است. مسائل قوم‌نگارانه هم نه از زاویه اقوام مختلف ایران و با هدف نمایش دادن معضلات آنها، بلکه از زاویه نگاه مرکزنشینان ساخته شده و پر است از جنبه‌های توریستی و بی‌خطر. شمردن مسائلی که جای آنها در این دوره از جشنواره حقیقت خالی است، فهرستی بسیار طولانی را تشکیل خواهد داد اما درعوض می‌بینیم که فیلمی راجع‌به یکی از آهنگسازان دوران رضاخان ساخته شده یا فیلم دیگری راجع‌به مدرسه‌ای که زرتشتیان در دوران قاجار تاسیس کردند و اینها به بخش اصلی جشنواره، یعنی بخش فیلم‌های بلند ایرانی راه پیدا کرده‌اند.

شاید بشود در این خصوص مقداری از قضیه را گردن برگزارکنندگان جشنواره در دولت قبل انداخت؛ چه اینکه طی سال‌های اخیر اساسا ریل‌گذاری‌ها طوری بوده که فیلم‌های جدی‌تر کمتر ساخته شوند، اما اولا چند فیلم مهم و معتبر هستند که به این دوره از جشنواره راه پیدا نکردند و ثانیا بین آثاری که برای نمایش در بخش فیلم‌های خارجی انتخاب شده‌اند هم فیلم رو به جلویی نیست و گزینش به همان شکل بی‌خطر برای منافع و رویکردهای دولت قبل دیده می‌شود. هنوز مشخص نیست که آیا سیاستگذاران فرهنگی جدید می‌خواهند وضع را به همان شکلی که قبلی‌ها تحویل‌شان داده‌اند، ادامه دهند یا بنای تغییر و اصلاح دارند. با این حال هیچ چیزی که نشانه عزم جدی برای تغییر باشد، در مدیریت این دوره از جشنواره حقیقت دیده نشد. به‌عبارتی یک چهارم از فرصتی که دولت جدید برای بازگرداندن جشنواره حقیقت به ریل اصلی‌اش داشت، طی شد و کوچک‌ترین اقدام موثری برای اصلاح این ساختار دیده نمی‌شود. هنوز می‌دانیم که به‌طور کلی آیا باید منتظر تغییراتی در جهت بازسازی این رویداد باشیم یا نباید بریم دولت قبل در دو، سه سال آخرش موفق به انهدام ابدی ساختاری شد که آن را همسو با سیاست‌هایش نمی‌دید.

دسته‌بندی موضوعی ۲۳ مستند حاضر در مسابقه بلندملی پانزدهمین دوره جشنواره حقیقت

- زندگی معلولان و جانبازان
- مسائل اجتماعی
- شخصیت‌های هنری و مشاهیر
- قوم‌نگاری
- مسائل زیست‌محیطی
- تاریخی

خاچیکیان؛ یک گفت‌وگو
امید نجوان

درباره گفت‌وگویی که زنده‌یاد ساموئل خاچیکیان، از کارگردان‌های مهم نسل اول سینمای ایران، با ماهنامه سینمایی فیلم در تابستان سال ۱۳۷۷ داشت و راجع‌به شیوه‌های کارگردانی حرف‌زد.

هنگامه ارکستر مجلسی سارها به رهبری قباد شیوا
سیدوحید حسینی‌همدان

درباره قباد شیوا در میان پیشگامان هنر گرافیک نوین ایران. مستندی سراسر ستایش وادای دین به این گرافیست قدیمی ایران.

دبستان پارسی
حسن نقاشی

درباره تاسیس اولین دبستان نوین یزد معروف به دبستان پارسی در عهد قاجار و بازخوانی خاطرات خدابخش، موسس دبستان. امسال تنها یک فیلم تاریخی در بخش بلند ملی جشنواره حقیقت حضور دارد که راجع‌به تاسیس اولین مدرسه مدرن ایران به دست زرتشتیان و مخالفت متعصبان دوره قاجار با آن مدرسه است و همچنین تاثیرگذاری دبستان پارسی روی مناطق همجوار آن. این مستند را مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تهیه کرده است که اگر چنین نبود، شاید حالا هم نمی‌توانست در فهرست آثار بخش ملی جشنواره قرار بگیرد.

یکی از رویاهای من
محسن هادی

زندگی روزمره «وحید رجبلو» جوان نخبه دارای معلولیت را می‌بینیم که درحال لانچ کردن یک پلتفرم آنلاین برای ارائه خدمات در منزل به افراد دارای معلولیت است.

برقه
اصغر برقه و حسین محمدیان

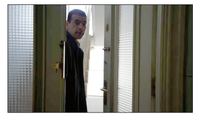

فیلمساز با وجود منع اطرافیان برای تولید یک فیلم وارد مکان زندگی کودکی خود (خوابگاه خیریه) می‌شود.

کنترپوآن
محمد فرزین‌نیا

درباره فعالیت‌ها و زندگانی یکی از آهنگ‌سازان ایران در دوره پهلوی اول به نام رکن‌الدین مختاری که زندگانی پر رمز و رازی داشته است.

احتضار
حجت طاهری

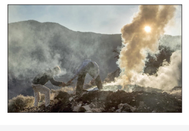

درباره یک دوستدار محیط‌زیست که در کنار نگهداری از پدر بیمارش، برای طبیعت رو به مرگ زاگرس تلاش می‌کند.

ریتم کند
محسن علیدادی

مروری بر زندگی ساپه، دختری که به بیماری سندرم داون مبتلاست و به خاطر توجه و رسیدگی مادر، او دارای توانمندی‌هایی شده است.

جابه‌جایی یا نابه‌جایی
پریسا گرگین

در این فیلم کارگردان با مرور سابقه مهاجرت دوستان و خانواده‌اش، می‌خواهد بداند که اگر او ایران را ترک کرده بود، سرنوشتش شبیه کدام‌یک از آنها می‌شد.

ایستوود
سیدعلیرضا رسولی‌نژاد

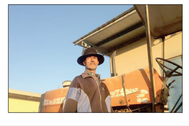

فیلمسازی آماتور پس از دیدن عکسی در روزنامه برای پیدا کردن فردی شبیه کلینت ایستوود راهی شهرستان سیرجان و روستاهای اطراف آن می‌شود.

برف‌گیر
کیارش اشراقی و مرتضی قاضیان

ارتفاعات شهر تهران در روز ۵ دی‌ماه ۱۳۹۹ پدیده آب‌وهوایی را تجربه می‌کند که شاید هر ۶۰ سال یک‌بار اتفاق بیفتد. به همین علت این روز را جمعه سیاه جامعه کوهنوردی نامیدند.

از رنج عاشقی
علی‌اکبر نوروزپور

سه تن از جانبازان آسایشگاه اعصاب و روان جنت شیراز که احساس‌شان نادیده گرفته شده است و برای حل مشکلات عاطفی خود تلاش می‌کنند.

پهلوانان نمی‌میرند
شراره عطاری

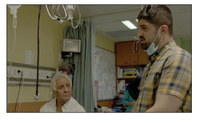

درباره محسن قاسمی، کشتی‌گیر نام‌آور و قهرمان آسیا که در اوج دوران قهرمانی مبتلا به اعتیاد شده و با عواقب دردناک آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

سمفونی حمید
جعفر صادقی

مستندی به‌شدت ستایشگرانه درباره حمید علیدوستی، ستاره اسبق فوتبال ایران و پدر ترانه علیدوستی، بازیگر سینمای ایران.

چهره‌پرداز
جعفر نجفی

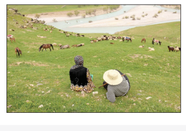

درباره مینا، زن جوانی که به‌خاطر رفتن به دانشگاه در رشته چهره‌پردازی با شوهرش اختلاف دارد. به همین دلیل مجبور است از او جدا شود. طبق رسم محلی، بچه متعلق به پدر است.

سرباز شماره صفر
محمد سلیمی‌راد

مردی به اسم «جهانگیر بدوره» که به‌خاطر بیماری همسرش، سراغ پرونده جانبازی‌اش می‌رود ولی متوجه می‌شود اسناد پرونده‌اش از بین رفته است.

مشق امشب
اشکان نجاتی، مهران نعمت‌اللهی

این فیلم می‌خواهد لایه‌های پنهان مسائل آموزشی و پرورشی کودکان ایران را به تصویر بکشد که از نگاه جامعه به دور مانده است.

ننه‌مخمل
امیرحسین خلیل‌زاده

درباره یک پیرزن روستایی در منطقه لرنشین اطراف کوه دنا و رویاهای جهانگیر او. این زن کاراکتری قوی و جذاب دارد و درعین‌حال تناقضات انسان مدرن را هم می‌تواند به تصویر بکشد.

استخوان‌های شکسته
علیرضا معماریانی

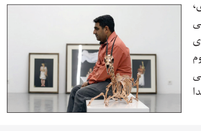

پرتره عبدالله رنجبری، شکسته‌بند سنتی جزیره هرمز، جزیره‌ای از مناطق محروم ایران که به‌تازگی گردشگران فراوانی پیدا کرده است.

آن مرد با اتوبوس آمد
نیما مهدیان

فیلمی درباره صد سال تاریخچه بزرگ‌ترین جمعیت کارگری خاورمیانه (شرکت واحد اتوبوسرانی تهران) که حالا منحل شده است.

گزارش یک کوچ
عبدالخالق طاهری

دشواری‌های کوچ عشایر همدان و نابودی مراتع و چراگاه‌هایی میانبند در این مستند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شرق وحشی
مجتبی اسماعیل‌زاده

فیلم در جست‌وجوی سرگذشت واقعی گل‌محمد کلمیشی، قهرمان رمان کلیدر (نوشته محمود دولت‌آبادی) به سبزوار و نیشابور و مشهد سفر می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

چارسو

گیل‌دخت به تلویزیون می‌آید

«گیل‌دخت» عنوان یک سریال تاریخی است که تولید آن از سال ۹۸ در سکوت خبری و به کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه کنندگی محمدرضا شفیعی آغاز شده و پس از گذشت ۲۴ ماه، تصویربرداری این سریال در آبان سال جاری به پایان رسید و قرار است به‌زودی و به‌صورت همزمان از یکی از شبکه‌های سراسری سیما و شبکه آی‌فیلم پخش شود. فیلمنامه این سریال را مجید آسودگان به سفارش مرکز فیلم و سریال معاونت برون‌مرزی سازمان صداوسیما نوشته و نگارش آن حدود ۵ سال زمان برده است. در خلاصه داستان این سریال آمده است: «حکایت گلنار و اسماعیل که در میان هیاهو و مهلکه قجری ناروبود دلشون با مهر و محبت هم بافته می‌شود. قصه و غصه عاشق و معشوقه که اگه صد دلیل برای رفتن داشته باشند، یه بهونه برای موندن پیدا می‌کنن و...»

به‌خاطر اعتراض فلسطینی‌ها، فیلم اردنی به اسکار نمی‌رود

کمیسیون فیلم سلطنتی اردن فیلم درام «امیره» ساخته محمد دباب را که در اردن فیلمبرداری شده اما داستان آن در کرانه باختری فلسطین به وقوع می‌پیوندد، به‌عنوان نماینده رسمی خود از رقابت اسکار بین‌المللی کنار کشیده، چون بحث‌های بسیاری در رسانه‌های اجتماعی درمورد این فیلم شکل گرفته است. داستان فیلم درباره کودکان فلسطینی است که به‌صورت مخفی با قاچاق اسیرم از زندان‌های اسرائیلی به دنیا می‌آیند. اما نمایش آن باعث شد تعداد زیادی از فعالان مدنی فلسطینی در توئیتر و دیگر رسانه‌های اجتماعی درباره نحوه نمایش فلسطینی‌ها در این فیلم انتقاد کنند. این فیلم در تیترآ پایانی خود ادعا می‌کند که بیش از ۱۰۰ کودک از سال ۲۰۱۲ تا به‌حال در زندان‌ها به دنیا آمده‌اند. داستان فیلم هم درباره دختر نوجوانی است که باور دارد فرزند یک فعال فلسطینی است که حکم حبس ابد گرفته است. انتقادها به سطح رسمی هم کشیده شد و وزیر فرهنگ فلسطین با همتای اردنی خود صحبت کرد تا جلوی توزیع فیلم دباب را بگیرد. علاوه‌بر این، تهیه کنندگان فیلم تصمیم گرفتند آن را در فستیوال فیلم دربای سرخ عربستان سعودی هم به نمایش نگذارند. کمیسیون فیلم سلطنتی اردن از فیلم دفاع کرد، اما گفت تصمیم گرفته آن را از اسکار کنار بکشد، چون بحث‌هایی که به وجود آمده ممکن است به اهداف آزادی‌طلبانه فلسطینی‌ها آسیب وارد کند. این کمیسیون در بیانیه‌ای گفت: «پیغام فیلم به هیچ‌وجه به اهداف فلسطینی‌ها یا زندانی‌ها آسیب نمی‌رساند. برعکس، مقاومت آنها و اراده‌شان برای داشتن یک زندگی عادی با وجود اشغال را به نمایش می‌گذارد. بالاین‌حال، بحث‌هایی بسیاری که ایجاد شده، ممکن است به اهداف فلسطینی‌ها آسیب بزند و ما به احترام احساس زندانی‌ها و خانواده‌هایشان «امیره» را از اسکار ۲۰۲۲ کنار می‌کشیم.» امیره نخستین اکران خود را در ماه سپتامبر در فستیوال فیلم ونیز داشت و از آن موقع تا به‌حال در فستیوال ال گونا در مصر و کارتاژ در تونس پخش شده است.

کنسرت اروپایی معتمدی با گروه «رامبراند تریو»

محمد معتمدی در ادامه برگزاری تور کنسرت‌های هنرمندان ایرانی، روزهای یکشنبه بیست‌ویکم آذرماه و پنجشنبه بیست‌وپنجم آذرماه کنسرت‌هایی را با مجموعه «رامبراند تریو» پیش‌روی مخاطبان قرار می‌دهد. به گفته معتمدی این کنسرت‌ها به گونه‌ای طراحی شده که مخاطبان شاهد اجرای قطعات تلفیقی از آواز ایرانی با همراهی موسیقی هنرمندان قاره سبز خواهند بود. براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌گرفته اولین کنسرت روز یکشنبه بیست‌ویکم آذرماه (دوازدهم دسامبر) در سالن اوستنده بلژیک و دومین کنسرت روز پنجشنبه بیست‌وپنجم آذر (شانزدهم دسامبر) در سالن لاتنارن ونستر روتردام هلند برگزار می‌شود. همکاری محمد معتمدی با مجموعه رامبراند تریو که از گروه‌های شناخته‌شده اروپایی در میان مخاطبان ایرانی است طی سال‌های گذشته نیز انجام گرفته و او با همراهی هنرمندان این گروه کنسرت‌ها و پروژه‌های دیگری را نیز پیش‌روی مخاطبان قرار داده بود. گروه سه‌نفره هلندی رامبراند تریو سال‌ها با هنرمندان مختلف، ازجمله موزیسین‌های مطرح کشورمان حسین علیزاده، کیهان کلهر و حسام اینانلو همکاری‌های متعدد داشته و در بسیاری از فستیوال‌های بزرگ جز ازجمله «بیم هوبی»، «نورت سی جز»، «البجز» و فستیوال جز مارد ید حضور داشته است. این مجموعه که دستمایه اصلی موسیقی‌شان موسیقی جز، موسیقی کلاسیک و موسیقی خاورمیانه است در پاییز سال ۱۳۹۶ بود که همراه با این هنرمندان در شهرهای مختلف به اجرای برنامه پرداختند. اعضای گروه رامبراند در طول ۱۲ سال گذشته در کنار هم ساز زده و توانسته‌اند به یکی از گروه‌های اصلی جز در هلند تبدیل شوند.

نقد تند فراستی به بازی جواد عزتی در «زخم کاری»

جمعه‌شب، در برنامه سینمایی «هفت» مسعود فراستی، محمدتقی فهیم و محمدرضا مقدسیان به نقد سریال نمایش خانگی زخم کاری به کارگردانی محمدحسین مهدویان پرداختند. فراستی در این‌باره گفت: «ابتدای تیتراژ فیلم نوشته شده این سریال اقتباسی است از نمایشنامه مکبث شکسپیر؛ ولی من بعید می‌دانم مهدویان اصلا مکبث را خوانده باشد! سوال من این است که اساسا مضمون فیلمنامه این سریال چیست؟ زنده‌باد ثروت یا مرگ بر آن؟! آیینه عبرت یا نمایش مردم‌فریب، ثروت؟! اساس زخم کاری به نظر من نه نقد ثروت بلکه ترویج آن است.» وی افزود: «من جواد عزتی را در کمدی بیش‌وکم دوست داشتم؛ اما عزتی امروز را نمی‌شناسم. عزتی را که در زخم کاری و حتی در ماجرای نیمروز در نقشی جدی بازی کرد نمی‌توانم ببذیرم؛ چراکه در این نقش‌ها هم واکنش‌هایش کمدی است. او در زخم کاری از همسرش سیلی می‌خورد، اما بهت عزتی در آن صحنه کاملا کمدی است و نه درام و تراژیک. جواد عزتی نتوانست و به نظر من نمی‌تواند بدمن یک فیلم بشود. به نظر من فیلمنامه از نظر ساختار توان پرداخت درست شخصیت‌ها را نداشته و ما در زخم کاری اصلا شخصیت نمی‌بینیم و همه در قالب تیپ باقی می‌مانند.»